

تأثیر معماری سردر مسجد جورجیر در آثار دوران سلجوقی

اصغر منتظرالقائم (۱)

کلیدواژه‌ها

مسجد جورجیر اصفهان، تزیینات، کتیبه‌ها، سردر، آجرکاری، آجر تراشی، گچ‌بری، معماری، اصفهان قدیم، خراسان، اصفهان، آل بویه.

چکیده

اصفهان دارای دو شهر جی و یهودیه بود. کلمه اسپهان یا اصفهان در قرن دوم هجری رایج شد. پس از ورود آل بویه به اصفهان، این شهر از رشد و شکوفایی بسیاری برخوردار شد، و تأسیسات زیربنایی فراوانی، شامل میدان، قلعه، محلات، مساجد و قصرها در آن ایجاد شد به گونه‌ای که دو شهر جی و یهودیه به هم وصل شدند و اعتبار جی کاسته شد. یکی از مساجد این دوره، مسجد جامع جورجیر بود که به وسیله حاجب بن عناد بنیان گذاشته شد. سردر باقی مانده این مسجد، نمونه عالی هنر آجرکاری و آجر تراشی و گچ‌بری از اواخر قرن چهارم هجری است. این سردر به وسیله یک لنگه طاق، یک کتیبه به خط کوفی، یازده شکنج، دو فیل‌پوش و هفت طاق‌نما با تزیینات آجر تراش خورن‌چینی و شش‌مندان هفت شاخه‌ای و اسما جلاله تزیین شده است.

از بررسی بناهای برجای مانده هم‌زمان این دوره و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بر ما معلوم می‌شود که الگوی معماری این سردر، مسجد تاریخانه دامغان، ساخته شده پیش از سال ۳۰۰ هجری، و مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا، ساخته شده پیش از سال ۳۳۲ هجری است. با مشاهده تزیینات آجرکاری و آجر تراش خورن‌چینی و فیل‌پوش‌ها، این واقعیت بر ما روشن می‌شود که معمار این بنا، الگوی خود را از بناهای خراسان بزرگ گرفته است. بی‌تردید، معماری سردر مسجد جورجیر و مسجد جامع نایین در آثار معماری دوران سلاجقه، همچون گنبد نظام‌الملک و

درآمد

مقاله‌ای که در پیش روی شما است به بررسی تأثیر معماری سردر مسجد جورجیر در آثار دوره سلجوقی می‌پردازد. روش تحقیق در آن، توصیفی - تحلیلی و مشاهده مستقیم آثار تاریخی اصفهان و خراسان است. پرسش‌هایی که در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی آن هستیم این است که:

الگوی معماری آل بویه در اصفهان، از کدام منطقه بوده است؟
این آثار چه تأثیری در آثار معماری دوران سلجوقی گذاشته است؟

مقدمه

موقعیت طبیعی اصفهان و قرار گرفتن آن در جلگه زاینده‌رود سبب شده است تا این شهر از روزگاران باستان، مرکز استقرار گروه‌های بزرگ انسانی و تمدن‌های باستانی و کانون شکوفایی اقتصادی و فرهنگی ایران باشد. اصفهان دارای دو شهر جی و یهودیه بود. جی در روزگار فیروز ساسانی، تجدید بنا شد و از مراکز نگاه‌داری سپاه بود، به همین جهت این شهر به نام اسپهان و اسپهان و معرب آن «اصفهان» نامیده شد.

شهر جی یا مدینه و شهرستان در شمال زاینده‌رود و در شرق

اصفهان کنونی است. محیط باروی شهر جی یک هزار قصبه^(۱) بوده، و مساحت آن، برابر دو هزار جریب و چهار دروازه بوده، و یکصد برج داشته است^(۲).

یهودیه

یهودیان پس از استیلای کوروش هخامنشی بر شهر بابل به سال ۵۲۹ ق.م و آزادی از قید اسارت^(۳)، و سپس در دوران یزدگرد ساسانی^(۴) به اصفهان مهاجرت کردند، و در آن ساکن شدند. یهودیه، «کوی جهودان» نامیده می‌شد، و در صحرائی قریهٔ «یوان» جای داشت. یک حد آن به روستای یوان، و حد دیگر آن به روستای خرچان و سُبلان، حد سوم به دو دیه گمءان و آشکهان، و حد چهارم به دو دیه جَراوءان و خُشینان می‌رسید^(۵).

جی در روزگار ساسانیان، مرکز اداری و سیاسی و کرسی اصفهان بود، و عناصر شهری همچون میدان و بازار داشت^(۶)، و مجتمعی از چند آبادی بزرگ و کوچک بود، و یهودیه دارای پانزده روستا و در سه کیلومتری جی قرار داشت. پس از حمله اعراب به ایران، این شهر به سال ۲۳ هجری با پیمان صلح به وسیله عبدالله بن بُدیل بن وُرَقاء خُزاعی فتح شد^(۷)، نظر به اهمیت این شهر، برخی قبایل عرب همچون ثقیف، تمیم، بنی‌ضَبّه، خُزاعه و عبدالقیس از کوفه و بصره به این شهر مهاجرت کردند^(۸)، و برای خود ساختمان ساختند، و در خلافت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مسجدی در محله گلبار بنا کردند.

یهودیه پس از سال ۱۵۰ هجری گسترش یافت؛ زیرا ایوب بن زیاد، عامل خراج و فرمانده سپاه در دیه خُشینان منزل کرد، و کاخی در کنار نهر فرسان ساخت، و در مقابل قصر، مسجد جامع را بنا نهاد، و در کوی گاه فروشان، بازاری در چند ردیف برای فروشندگان و تجار بنا نهاد. در روزگار فرمانروایی ایوب بن زیاد، خانه‌های دیه خُشینان به خانه‌های یهودیه پیوست.

یهودیه پس از بنای مسجد جامع، از سوی بیابان گسترش یافت، و زمین‌های پانزده روستا بدان پیوست^(۹). پس از گسترش یهودیه، بر وسعت مسجد افزودند، و خصیب بن سلم، اراضی موسوم به خصیب‌آباد را بر آن افزود. مسجد، بار دیگر در سال ۲۲۶ هجری بازسازی شد. سپس ابوعلی بن رستم در سال ۳۰۷ هجری کاروان‌سراها و آبریزگاه‌های اطراف مسجد را پاک‌سازی کرد، و بر مسجد جامع افزود^(۱۰).

اصفهان در روزگار آل بویه

در روزگار حکومت «آل ابی‌دلف» که از سوی خلفای عباسی بر اصفهان حکمرانی داشتند، اصفهان، مرکز و شهر شهیر و درالامارهٔ همه بلاد شده بود، و «عمر بن عبدالعزیز عجلی» صفه‌ای در مسجد جامع و ساختمان‌های دیگر ساخت^(۱۱). اصفهان به سال ۳۲۲ هجری

به تصرف آل بویه درآمد.

در این دوره، شهر اصفهان توسعه و گسترش قابل توجهی پیدا کرد، و جمعیت آن افزایش یافت. محله طوقچی در شمال اصفهان از محلات نوین و آباد شهر بود، و بزرگان دستگاه آل بویه، همچون صاحب بن عبّاد، در این محله، خانه شخصی داشتند^(۱۲). محله دردشت از دیگر محلاتی است که در این دوره رشد کرد، و مدرس شیخ‌الرییس ابوعلی سینا طی دوران اقامت چهارده ساله وی در اصفهان، در این محل قرار داشت. اکنون تنها گنبد آن در این محل باقی مانده است، و بنا به نقلی، محل دفن وی در اصفهان نیز به شمار می‌رود^(۱۳). در همین دوران نیز گورستان بزرگی به نام مُردَبان یا آبخشان در نزدیکی این محل وجود داشت، به گونه‌ای که پس از فوت ابونعیم اصفهانی در سال ۴۳۰ هجری، جنازهٔ وی را در این قبرستان دفن کردند^(۱۴).

اصفهان در این دوره، از رشد با شکوهی برخوردار شد. از اقدامات مهم شهرسازی در آن، ایجاد میدان میر در مشرق میدان کهنه یا میدان قیام کنونی و کشیدن بارویی گرد شهر به وسیله رکن‌الدوله بود که اندازهٔ آن را بیست و یک‌هزار گام گفته‌اند. در حکومت فخرالدوله نیز قلعه طبرک بنا شد. این قلعه، با راهی زیرزمینی به میدان میر راه داشت. صاحب بن عبّاد ادیب، دانشمند و شاعر و سیاست‌مدار و وزیر حکومت آل بویه، به عمران و آبادانی اصفهان توجه خاصی نشان داد، و عمارات عالیه و مسجدی در محله گلبار^(۱۵) به نام «جورجیر» از خشت و گل، در نهایت استحکام و ظرافت، با استادی تمام، با مناره‌ای بلند به ارتفاع یک‌صد ذراع و شبستان‌ها، خانقاه‌ها، کتابخانه‌ها، مدارس‌ها، مجالس ادبا و شعرا و مکان‌هایی برای صوفیان و قُرّاء^(۱۶) ساخت، و متأسفانه در روزگار آن بعد به جز سردر شمالی آن، مسجد تخریب شد، و در محل آثار به جای مانده از آن، در دوران شاه عباس دوم صفوی، مسجدی چهار ایوانه با شبستان و گنبدخانه ساخته شد. بر اساس متن کتیبه سردر شمال شرقی، این مسجد به وسیله حکیم محمدداوود، طبیب شاه عباس دوم، در طی سال‌های ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ هجری ساخته شده است.

ابن حوقل در سال ۳۶۷ هجری از اصفهان به عنوان دو قمست جی و یهودیه یاد می‌کند که جی به صورت یک روستا بوده است. وی شهر اصفهان را آبادان و پرجمعیت، ثروتمند و یک شهر بازرگانی معرفی می‌کند. در کنار زاینده‌رود، کاخ‌های مجللی بود که اکتابخانه‌ها، مدارس‌ها، مجالس ادبا و شعرا و مکان‌هایی برای صوفیان و قُرّاء^(۱۷) ساخت، و متأسفانه در روزگار آن بعد به جز سردر شمالی آن، مسجد تخریب شد، و در محل آثار به جای مانده از آن، در دوران شاه عباس دوم صفوی، مسجدی چهار ایوانه با شبستان و گنبدخانه ساخته شد. بر اساس متن کتیبه سردر شمال شرقی، این مسجد به وسیله حکیم محمدداوود، طبیب شاه عباس دوم، در طی سال‌های ۱۰۶۷ تا ۱۰۷۳ هجری ساخته شده است.

ابن حوقل در سال ۳۶۷ هجری از اصفهان به عنوان دو قمست جی و یهودیه یاد می‌کند که جی به صورت یک روستا بوده

است. وی شهر اصفهان را آبادان و پرجمعیت، ثروتمند و یک شهر بازرگانی معرفی می‌کند. در کنار زاینده‌رود، کاخ‌های مجلی بود که از آن جمله می‌توان از قصر عبدالرحمان بن زیاد و قصر ابوالفضل در حصار (کرینه) نام برد.^(۱۸)

ابوجعفر علاءالدوله کاکویه به سال ۴۲۹ هجری حصار به دور شهر کشید که حدود پانزده هزار گام طول آن بود^(۱۹). بدین سان شهر اصفهان در روزگار آل بویه و کاکویان از چنان رشد و عظمت برخوردار شد که ناصر خسرو شاعر و سیاح ایرانی در سال ۴۴۴ هجری، یک سال پس از تصرف شهر به وسیله طغرل سلجوقی، اصفهان را این‌گونه توصیف می‌کند:

«در همه زمین پارس گویان، شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم. شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد، و هرجا که ده گز چاه فروبرند، آبی سرد خوش بیرون آید، و شهر، دیواری حصین بلند دارد، و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته، و بر همه بارو، کنگره ساخته، و در شهر، جوی‌های آب روان، و بناهای نیکو و مرتفع. و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است، و اندرون شهر، همه آبادان، و بازارهای بسیار، و بازاری دیدم از آن صرافان که اندرو دویست مرد صراف بود. کوچهای بود که آن را کوپراز می‌گفتند، و در آن، پنجاه کاروان‌سرای نیکو، و در هریک، بیاعان و حجره‌داران بازنشسته»^(۲۰)

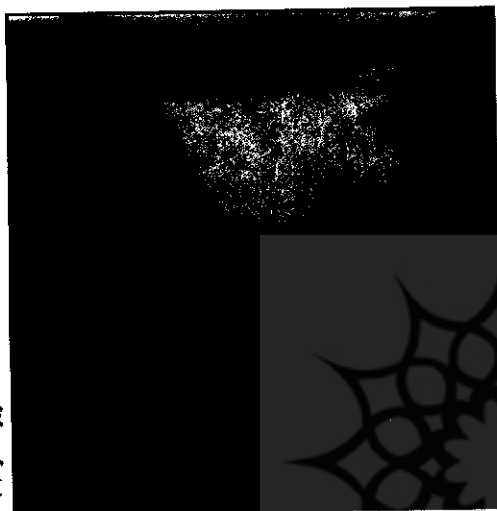
دولت فرهنگ‌دوست و هنرپرور آل بویه، بر گسترش فضای کالبدی و بافت شهری اصفهان تأثیر بسزایی گذاشت. تأسیس بناهای بسیاری همچون گسترش مسجد جامع عتیق، تأسیس مسجد جورجیر، قصرها و خانه‌های بی‌شمار، بنای قلعه طبرک و کشیدن دو حصار به دور اصفهان، موجب رشد شهرسازی و هنر معماری در اصفهان شد. آثار بر جای مانده از این دوره در اصفهان، نمونه‌هایی بسیار عالی از هنر آجرکاری و گچ‌بری به شمار می‌روند که عبارت‌اند از:

الف. گسترش مسجد جامع در دوره آل بویه:^(۲۱) بر اساس کاوش‌های به عمل آمده در مسجد جامع، باستان‌شناسان آثاری از دوره آل بویه را در منطقه جنوب غربی مسجد جامع، شبستان موصوف به صفوی، یعنی بخش غربی ایوان جنوبی و در قسمت غربی ایوان شمالی و در بخش شرقی ایوان جنوبی و مدخل ورودی در شرقی^(۲۲) شناسایی کرده‌اند^(۲۳). هم‌اکنون ستون‌هایی مدور با تزیینات آجر و گچ‌بری از الحاقات آل بویه در مسجد جامع اصفهان مشاهده می‌شود. این ستون‌ها عبارت‌اند از:

۱. دو ستون مدور، در دل جرزهای طرفین ایوان جنوبی به قطر تقریباً ۰/۲ متر، آجرهایی به شکل مستطیل با برجستگی‌هایی به صورت ماریج ساخته شده‌اند.^(۲۴)
۲. چهار ستون در یکی از ایوان‌های مدخل ورودی در شرقی با تزیینات گچ‌بری آرایش شده است.^(۲۵)

۳. ستون‌هایی در شبستان‌های شرقی و غربی ایوان جنوبی^(۲۶) و در لابه‌لای چهلستون دوره دوم سلجوقی.^(۲۷)

ب. سردر مسجد جامع جورجیر: مهم‌ترین بنای موجود از دوره آل بویه در اصفهان، سردر مسجد جامع جورجیر است. جورجیر، معرب گورگیر، نام یکی از بزرگان و سرداران دیلمی، و محلی مجاور این مسجد و در لفظ عامه مردم به در جوجه یا جوجی شهرت یافته است^(۲۸). این بنا اکنون، در شمال غربی مسجد حکیم را تشکیل می‌دهد. این سردر از نمونه‌های بسیار عالی هنر آجرکاری و آجرتراشی و گچ‌بری در اواخر قرن چهارم هجری است.



تصویر شماره (۱)

متأسفانه قسمت‌های فوقانی طرفین خارجی آن فروریخته، و اکنون به شکل ناقص مرمت شده است؛ ولی نقوش و

- ۲) جناب اصفهانی، میرسیدعلی، اصفهان، ص ۱۳.
- ۳) یونعم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۵.
- ۴) ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النقیسه، ص ۱۹۸.
- ۵) داندانمایف، محمد، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ص ۱۴۳.
- ۶) مارکورت، یوزف، ایران‌شهر، ص ۶۸.
- ۷) یونعم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصفهان، ص ۳۵.
- ۸) ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النقیسه، ص ۱۸۱.
- ۹) بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۳۰۹.
- ۱۰) نقشه پیوست.
- ۱۱) یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، ص ۴۹.
- ۱۲) یونعم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۳۷.
- ۱۳) جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، ص ۱۱۱.
- ۱۴) ثعالی، ابومنصور عبدالملک بن محمد، یتیمه الذهر فی محاسن اهل المصر، ص ۲۴۰.
- ۱۵) ابن ابیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ص ۱۵.
- ۱۶) یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، ص ۲۱۰.
- ۱۷) جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، ص ۱۵.
- ۱۸) مافزوخ، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ص ۸۶.
- ۱۹) ابن حوقل، محمد، صورةالارض، صص ۱۰۵ - ۱۰۸.
- ۲۰) ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۱۶۶.
- ۲۱) مافزوخ، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ص ۸۶.
- ۲۲) کالدبری، اوزنیو، مسجد جامع اصفهان، صص ۱۵۵، ۱۶۹.
- ۲۳) تصویر شماره ۱.
- ۲۴) هنرفر، لطف‌الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۴۴.
- ۲۵) کالدبری، اوزنیو، مسجد جامع اصفهان، صص ۱۵ و ۱۶۹.
- ۲۶) هنرفر، لطف‌الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۴.
- ۲۷) تصویر شماره ۱.
- ۲۸) کالدبری، اوزنیو، مسجد جامع اصفهان، ص ۱۵.



تصویر شماره (۲)



تصویر شماره (۳)

نوع خوون چینی مشاهده می‌شود.^(۳۰)
 ۳. طرفین خارجی سردر به اندازه ۳/۴۰ در شرق دو طاق نما و در غرب نیز دو طاق نما وجود دارد. دو طاق نمای نخستین، دارای تزیینات برجستگی‌های آجر تراش هستند. دومین طاق نمای سوی غرب، دارای تزیینات آجرکاری و گچ‌بری است، و با نقوش شمعدان هفت شاخه‌ای آجری تزیین شده است. این شمعدان‌ها، هفت شاخه‌ای هستند، و شاخه میانی به یکی از اسماء جلاله و سرشاخه طرفین شمعدان‌ها فروریخته است. شمعدان هفت شاخه‌ای، نماد یک موتیف یهودی است؛ ولی تزیین آن در سردر این مسجد، و واژگون

برجستگی‌های آجر تراشی بی‌نظیر، و تزیینات گچ‌بری آن، که با مهارت و ظرافت بسیار کار شده، باقی مانده است. ارتفاع این سردر ۷/۹۰ متر است، و در لبه طاق‌نماها و دهانه ورودی خارجی در هر طرف، ده ستون استوانه‌ای، گچ‌بری شده است. این سردر از سه قسمت تشکیل شده است:

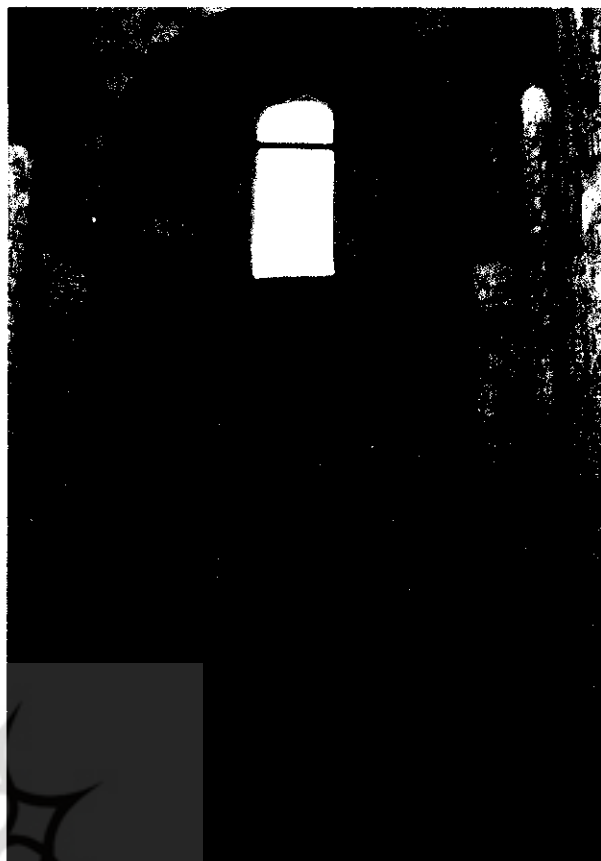
۱. سردر و کتیبه و یک لنگه طاق. کتیبه سردر به خط کوفی گچ‌بری، در طرف راست آن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به اندازه ۱/۱۸ متر و قسمت روبه‌رو به طول ۳/۱۵ متر کاملاً فروریخته است. در سمت چپ «بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» به اندازه ۱/۱۷ متر دیده می‌شود. متن این کتیبه، آیه ۱۸ سوره آل عمران به این شرح است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» در بالای کتیبه و لبه خارجی طاق، چفد اصلی سردر، یازده شکنج نیم دایره‌ای تزیین شده، و داخل طاق، دو فیل پوش با تزیینات آجر تراش و گچ‌بری و در عمق یک نورگیر تا پشت طاق وجود دارد.^(۳۱)

۲. طرفین داخلی سردر به اندازه ۹۵ متر، شامل یک طاق نمای کوتاه به ارتفاع ۳/۶۵ متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر، و یک طاق نمای بلند به ارتفاع ۷/۱۰ متر و عرض ۷۸ سانتی‌متر است. تزیینات داخل طاق‌نماها نقوش و برجستگی‌های آجر تراش خوون چینی و در نقطه فوقانی آن‌ها تزیینات گچ‌بری دیده می‌شود. در سردر جورجیر، هفت

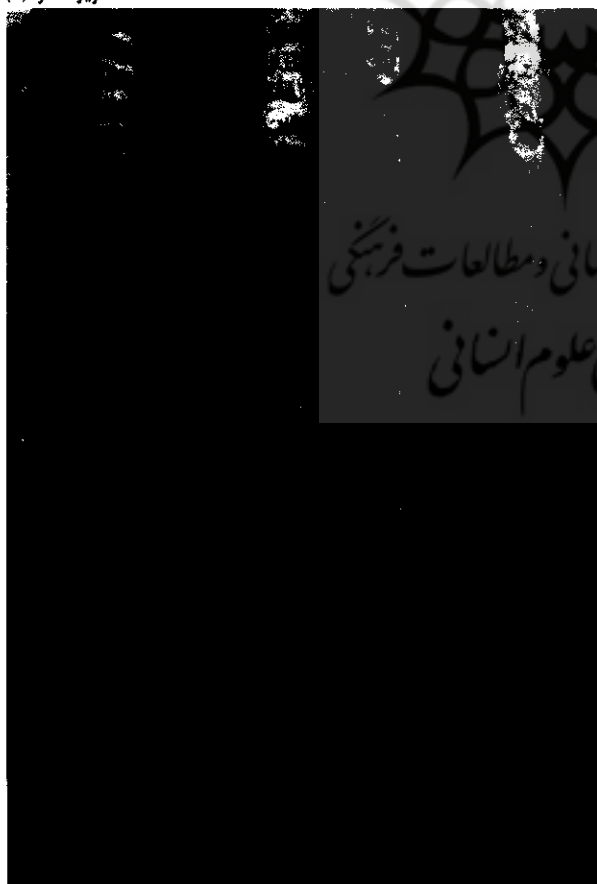
(۲۹) تصویرهای شماره ۲ و ۳ و ۴ و ۵.
 (۳۰) تصویر شماره ۶.



تصویر شماره (۶)



تصویر شماره (۳)



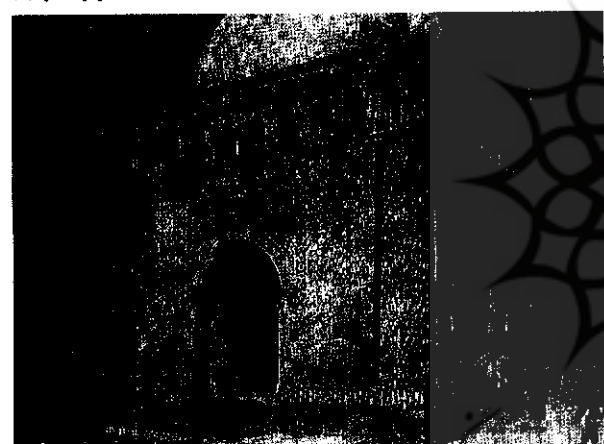
تصویر شماره (۷)



تصویر شماره (۵)



تصویر شماره (۸)



تصویر شماره (۱۰)



تصویر شماره (۹)

استاد دکتر لطف‌الله هنرفر بارها به نویسنده فرمودند:

«این بنا در اندود کاهگل مدفون شده بود تا سرانجام پس از بارندگی‌های شدید آبان و آذر سال ۳۳۳۱ شمسی، قسمتی از کاهگل فروریخت، و این اثر نمایان گردید.»^(۳۳)

«پروفسور آرتور ایهام پوپ، بیش از کشف این اثر گمان می‌کرد گنبد تاج‌الملک در مسجد جامع اصفهان، به تقلید از گنبد کلیسای آنی در ارمنستان ساخته شده است؛ ولی پس از مشاهده سردر جورجیر اطمینان یافت که الگوی معماری گنبد تاج‌الملک، این سردر بوده است.»^(۳۳)

اما سؤال اساسی که باید مطرح می‌شود این است که این سردر، تحت تأثیر کدام بنا ساخته شده است؟

از بررسی بناهای موجود هم‌زمان این دوره، به واسطه شباهت تزیینات آجرتراش و طاق جناغی سردر جورجیر با آجرکاری مسجد تاریخانه دامغان، ساخته شده پیش از ۳۰۰ هجری^(۳۴)، و نیز شباهت

نشان دادن شاخه‌های آن، نشانه سر تعظیم فرود آمدن نماد یهودیت در برابر خداوند، و ضعف قدرت آنان در برابر اسلام است. در داخل این تزیینات، به خط کوفی، کلمات *لا اله الا الله، محمد رسول الله، العظمة لله، القدرة لله، سبحان الله، الحمد لله* تزیین شده است. دومین طاق نمای سمت غرب، دارای تزیینات آجرکاری خوون‌چینی است.^(۳۱)

اندازه دهانه ورودی خارجی سردر ۳/۹۵ متر و دهانه ورودی داخلی ۳/۱۶ متر و مصالح آن از آجرهای مربع‌شکل در ابعاد ۱۶ در ۱۶ سانتی‌متر با ضخامت ۲ سانتی‌متر و ملات آن از گچ است.

آن با تزیینات آجرتراش و درگاه جناغی مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا، ساخته شده پیش از ۳۳۲ هجری^(۳۵)، می‌توان حدس زد که الگوی معمار برای ساخت سردر مسجد جورجیر، این مسجد و مقبره بوده است، و معماری خراسان بزرگ در معماری اصفهان در عهد آل بویه، تأثیر بسزایی داشته است.

تزیینات شکنج‌های اطراف چفد اصلی جورجیر با کاخ ساسانیان در تیسفون و مسجد جامع فهرج یزد شباهت بسیار دارد^(۳۶). از مشاهده تزیینات گنبد خواجه نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک، در مسجد جامع اصفهان بر ما روشن می‌شود که معماری دوره آل بویه، الگوی معماری سلجوقی - به ویژه در تزیینات آجرکاری - بوده است.

ج. مسجد جامع نایین: این مسجد یکی از کهن‌ترین مساجد ایران است. سردر اصلی مسجد در گوشه شمال شرقی صحن آن است، و در جنوب شرقی نیز در ساده دیگری وجود دارد. صحن مسجد، چهار ضلعی است، و وسعت زیادی ندارد.^(۳۷) در سه جانب شرقی و غربی و جنوبی صحن، چهلستون‌هایی تعبیه شده که مدخل‌های بلند آن، مشرف به صحن است. تزیینات چهلستون‌ها آجرکاری ساده، و نمای اطراف صحن از آجرکاری ساده برجسته، و شباهت بسیار با آجرکاری سردر جورجیر دارد. مناره آجری مسجد در زاویه جنوب شرقی صحن قرار دارد، و ۲۸ متر ارتفاع دارد. در زیرزمین صحن، شبستانی با ستون‌های رُسی وجود دارد.

در وسط چهلستون جنوبی، محراب عالی گچ‌بری در میان طاق‌های ضربی جناغی قرار دارد.^(۳۸) تزیینات گچ‌بری ظریف و عمیق آن، به شکل گل و بوته است، و آیات قرآن، اطراف هلال طاق‌نمای جلوی محراب، و بالای آن به خط کوفی، گچ‌بری^(۳۹) شده است.^(۴۰)



تصویر شماره (۱۱)



تصویر شماره (۱۲)

- (۳۱) تصویر شماره ۷.
 (۳۲) هنرفر، لطف‌الله. (آثار ناشناخته دوران اسلامی)، ص ۶۷.
 (۳۳) همان، ص ۷۱.
 (۳۴) تصویر ۸ و ۹.
 (۳۵) تصویر ۱۰.
 (۳۶) هم‌چنین رک: هنرفر، لطف‌الله. (ارازهای معماری اصیل ایران)، ص ۷۳.
 (۳۷) تصویر شماره ۱۱.
 (۳۸) تصویر شماره ۱۲.
 (۳۹) تصویر شماره ۱۳.
 (۴۰) افشار نادری، شهلا. (سردر مسجد جورجیر اصفهان)، ص ۲۲۹.



تصویر شماره (۱۳)

نتیجه

در روزگار آل بویه، فرهنگ و تمدن اسلامی از رشد بسزایی برخوردار شد، و هنر معماری اسلامی و شهرسازی نیز پیشرفت و تعالی پیدا کرد. در ایام آل بویه، اصفهان یکی از پایتخت‌های آل بویه بود، به همین سبب، شهرسازی در آن رونق گرفت، و شکوفا گردید. در این دوره، محلات، بناها، مساجد، قصرها، قلعه طبرک، میدان میر و حصار نوینی دور از شهر ایجاد شد. یکی از این عمارات، مسجدی به نام «جورجیر» با تأسیسات گوناگون بود. معماران این مسجد، الگوی خود را از مساجد و مقابر خراسان گرفتند. امروزه، تزیینات آجرکاری و آجرتراشی و گچ‌بری عالی این مسجد، هر بیننده‌ای را به شگفتی وامی‌دارد. هنر معماری و تزیینات آجرکاری این سردر و مسجد جامع نایین، حلقه اتصال معماری ایرانی از خراسان قرن چهارم، با آثار معماری دوران سلاجقه، مثل گنبد نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک در مسجد جامع اصفهان به شمار می‌رود.



فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۸ هجری، المجلد الثامن.
۲. ابن حوقل، محمد، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶ ش.
۳. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النقیسه، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵ ش.
۴. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق سیدحسین کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هجری، المجلد الاول.
۵. افشار نادری، شهلا، «سردر مسجد جورجیر اصفهان» مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، تهران: میراث فرهنگی ایران، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۲۲۹.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمدرضوان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ ق.
۷. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد، یتیمه الذهر فی محاسن اهل العصر، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ هجری، الجزء الثالث.
۸. جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، تاریخ اصفهان، تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل، ۱۳۷۸ ش.
۹. جناب اصفهانی، میرسیدعلی، الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، اصفهان: امور فرهنگی شهرداری اصفهان، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. داندامایف، محمد، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. گالدیری، اوژنیو، مسجد جامع اصفهان، ترجمه عبدالله جبل عاملی، اصفهان: میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۷۰ ش.
۱۲. مازکوارت، یوزف، ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. مافروخی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، تصحیح سید جلال‌الدین حسینی طهرانی، تهران: مطبوعه مجلس، [بی تا].
۱۴. ناصر خسرو، سفرنامه، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۶۶.
۱۵. هنرفر، لطف‌الله، «آثار ناشناخته دوران اسلامی» فصل‌نامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۸، سال دهم، ص ۶۷، سازمان اوقاف و خیریه، تابستان ۱۳۸۱ ش.
۱۶. همو، «ارزهای معماری اصیل ایران» فصل‌نامه هنر، ۱۳۷۲ ش، شماره ۲۵، ص ۷۳.
۱۷. همو، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان: ثقفی، [چاپ اول ۱۳۴۴ ش].
۱۸. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، [بی تا]، الجزء الاول، ذیل «اصبهان».
۱۹. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش.